

تضمین دادرسی منصفانه در پرتو اصل مشروعیت تحصیل ادله کیفری

دکتر عباس تدین *

زینب باقری نژاد **

چکیده

دادرسی منصفانه در بردارنده مجموعه‌ای از اصول و قواعد است که جهت رعایت حقوق اصحاب دعوا در رسیدگی به دعوی آنان پیش‌بینی گردیده است. در بستر چنین دادرسی، دلیل به عنوان مرکز ثقل دعاوی کیفری نه تنها باید خود مشروع و قانونی باشد بلکه روش تحصیل و به‌کارگیری آن نیز باید تابع اصل مشروعیت تحصیل ادله کیفری باشد. کیفر مجرمان در اجتماع، هرچند یکی از اهداف اساسی آیین دادرسی کیفری است اما این هدف مهم نباید به کارگیری هرگونه ابزار و وسیله‌ای را توجیه نماید چرا که بدون تردید، شیوه‌های غیر قانونی نمی‌تواند متصف به وصف انصاف و عدالت گردند و در چنین وضعیتی، صحبت از دادرسی منصفانه، خود ناعادلانه است.

دستگاه عدالت کیفری که به دنبال تحقق عدالت و دادرسی منصفانه است، نمی‌تواند فقط به محصول کسب دلیل توجه نموده و از شیوه‌های تحصیل آن غافل گردد. بنابراین، نقطه آغاز تضمین دادرسی منصفانه، رعایت اصول و قواعد حاکم بر ادله کیفری به ویژه در مقام تحصیل و به کارگیری آنها در فرایند رسیدگی‌های کیفری است.

کلید واژگان

دادرسی منصفانه، اصل مشروعیت تحصیل دلیل، ادله کیفری، آیین دادرسی کیفری، عدالت و انصاف.

* دکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی از دانشگاه شهید بهشتی.

** دانشجوی دکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی.

مقدمه

بی شک بهترین و عادلانه‌ترین راه حل در هر دعوا، در دادگاهی مستقل و بی طرف، از مسیر یک دادرسی مناسب و منصفانه و با لحاظ تضمینات لازم برای طرفین دعوا حاصل می‌گردد. اعتبار دستگاه قضایی و دادگستری و اعتماد طرفین دعوی و عموم نسبت به آن نیز بستگی مستقیم به وجود یک دادرسی منصفانه برای حل و فصل دعاوی خواهد داشت.^۱ حقوق به ویژه در بخش آیین دادرسی، علی‌الاصول بر پایه اندیشه عدالت بنا گردیده است و آیین دادرسی کیفری به منظور اجرای عدالت قضایی و حتی جلوگیری از اجحاف دولت به شهروندان تأسیس و تنظیم گردیده است. در برخی از تعاریف عدالت مترادف انصاف قلمداد گردیده و بر همین مبنا، اساس آیین دادرسی کیفری انصاف دانسته شده است.^۲ لذا دادرسی منصفانه، دادرسی براساس انصاف است^۳ و در این قلمرو، قوانین و ضوابط غیر منصفانه نمی‌تواند جایگاهی داشته باشد. اصولی مانند اصل تساوی سلاح‌ها،

۱. نگاه کنید به: اسداله، یاوری، (۱۳۸۳)؛ «حق برخورداری از دادرسی منصفانه و آیین دادرسی نوین»، نشریه حقوق اساسی، سال دوم، شماره دو، ص ۲۵۳.

۲. نگاه کنید به: علی، قربانی، (۱۳۸۴)؛ «بررسی رویه قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر در زمینه حق آزادی و امنیت و حق بر دادرسی منصفانه»، رساله دوره دکتری دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران. ص ۱۳۴.

۳. انصاف یکی از منابع حقوق بین‌الملل است و دو نقش اصلی یعنی تکمیل خلأهای حقوقی منابع دیگر و نقش ارشادی را بازی می‌کند. هر چند در اسناد بین‌المللی به ندرت تعریفی از دادرسی منصفانه دیده می‌شود ولی به عنوان نمونه، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر سه معیار برای تشخیص آن مطرح کرده است: قوانین ملی، معاهدات چند جانبه و هنجارهای بین‌المللی، برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به: اردشیر، امیرارجمند، (۱۳۸۱)؛ مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر، اسناد منطقه‌ای، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل، جلد دوم، ص ۱۱؛ واژه انصاف (equité) از کلمه لاتین (equus) به مفهوم تعادل و توازن است:

Serge Guinchard, (1998), "Le procès équitable: Droit fondamental?" Actualite juridique de droit penal , no special, p.191.

اصل دسترسی به دادگاه، اصل تجدیدنظرخواهی و حتی اصل مشروعیت تحصیل ادله از اجزاء تشکیل دهنده دادرسی منصفانه محسوب می‌شوند.

حق برخورداری از چنین دادرسی، در بردارنده مجموعه‌ای از اصول و قواعد است که جهت رعایت حقوق اصحاب دعوا در رسیدگی به دعوی آنان پیش‌بینی گردیده است. این تضمینات که در اسناد بین‌المللی حقوق بشر مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر (مواد ۸، ۱۰ و ۱۱)، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ماده ۱۴) و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (ماده ۶) به عنوان یکی از حقوق شناخته شده بشر مورد اشاره قرار گرفته‌اند،^۴ شامل کلیه مراحل آیین دادرسی کیفری از کشف جرم تا اجرای حکم می‌گردد. این تضمینات علی‌الاصول در قلمروی مطرح می‌شود که تصور می‌رود حقوق کیفری از موازین اخلاقی فاصله گرفته است. «ضرورت‌های عینی یا مجازی جاری با توجیهاتی از قبیل صعوبت کشف جرم، پیچیدگی جرائم و... وحدت حقوق و اخلاق را از هم گسیخته است».^۵ در چنین شرایطی، دلیل به عنوان وسیله اثبات واقعیت، نباید مورد سوء استفاده قرار گرفته و اشخاص با توسل به هر وسیله‌ای با نام و عنوان «دلیل» محکوم گردند. به همین علت، بهترین تضمین اجرای یک دادرسی منصفانه به ویژه در مرحله تحقیقات مقدماتی در مقام تحصیل (گفتار اول)، پذیرش (گفتار دوم) و ارائه دلیل (گفتار سوم) رعایت اصل مشروعیت تحصیل ادله کیفری خواهد بود.^۶

۴. فصل اول باب اول لایحه جدید آیین دادرسی کیفری ایران از ماده ۱-۱۱۱ تا ۷-۱۱۱ به تعریف آیین دادرسی کیفری و «اصول دادرسی منصفانه» پرداخته است. همچنین در خصوص ضوابط و قواعد حاکم بر دادرسی منصفانه نگاه کنید به: فریده طه و لیلا اشرافی (مترجمان)، (۱۳۸۶)؛ دادرسی عادلانه، تهران، نشر میزان، ص ۳۷.

۵. علی، قربانی؛ منبع پیشین، ص ۱۷۳.

۶. کمیته حقوق دانان حقوق بشر در سال ۲۰۰۰ و عضو بین‌الملل، دادرسی منصفانه را قاعده‌ای از حقوق بشر بین‌المللی دانسته است که به منظور حمایت اشخاص از محرومیت یا کاهش خودسرانه و غیرقانونی حقوق و آزادی‌های اساسی در نظر گرفته شده است: کمیسیون قوانین بین‌المللی، (۱۳۸۵)، «خلاصه گزارشات

گفتار اول: تحصیل منصفانه دلیل

تحصیل دلیل به معنای مجموعه عملیات مادی است که توسط آن، عناصر مبین ارتکاب جرم و انتساب آن به متهم، جمع‌آوری و به دادرس کیفری ارائه می‌گردد.^۷ در حقیقت اصحاب دعوا و حتی مقام تعقیب برای پشتیبانی و تقویت وضعیت خود و اثبات ادعای مورد نظر به جمع‌آوری و کسب اسناد و مدارک و به طور کلی ادله قانونی می‌پردازند^۸ و در این راه تا جایی آزاد محسوب می‌شوند که اصل مشروعیت تحصیل ادله کیفری و به عبارتی دیگر وصف «منصفانه» تحصیل دلیل را زیر سؤال نبرند. مطمئناً جستجو و کسب ادله کیفری با توجه به مرحله‌ای که در جریان آن تحصیل دلیل انجام می‌شود، متفاوت خواهد بود. در مرحله تحقیقات ابتدایی یا تحقیقات پلیس، تحصیل دلیل می‌تواند به صورت سری و غیر ترافعی صورت پذیرد. در این مرحله تفتیش، بازرسی و توقیف اموال و اشخاص جز در جرائم مشهود یا با اجازه اشخاص امکان پذیر نیست.^۹ ماده ۱۱ قانون آیین کیفری فرانسه رسیدگی در مرحله تحقیقات را سری اعلام می‌نماید و مقرر می‌دارد «به جز در مواردی که قانون به گونه دیگری مقرر کرده باشد و بدون لطمه به حقوق دفاعی متهم، دادرسی در جریان تحقیقات به صورت محرمانه انجام می‌گردد». اگر هیچ گونه تحقیق و

گزارشگران حقوق بشر سازمان ملل در مورد ایران، مرکز مطالعات توسعه قضایی، معاونت حقوقی و توسعه قضایی، ص ۶.

7. Voir. Serge Guinchard et Jacques Buisson, (2007), procédure pénale, 5ème édition paris, Lexis Nexis Litec. p.398.

8. Voir Vanessa Valette, (2007), procédure penale, 1ère édition paris, Ellipses., p.213.

9. Voir Jacques Borricand et Anne-Marie Simon, (2005), Droit pénal et procédure pénale, 4ème édition, paris, Dalloz. p.282.

رسیدگی صورت نگرفته باشد، تحصیل و جستجوی ادله غالباً از اقدامات افسران پلیس قضایی نشأت می گیرد. «بازرسی ها و تحت نظر به عنوان راه هایی محسوب می شوند که جستجوی ادله توسط شاکیان خصوصی را تسهیل می کنند و به طور غیر مستقیم مسئولیت تحصیل دلیل توسط آنها را سبک می نمایند».^{۱۰} در حقوق کیفری فرانسه، افسران پلیس قضایی می توانند به منظور کسب دلیل، علاوه بر انجام «نمونه گیری های خارجی ضروری جهت آزمایش های فنی و تخصصی و مقایسه با آثار باقی مانده در محل وقوع جرم»^{۱۱}، کلیه اشخاصی را که دارای اطلاعات مفید در ارتباط با اعمال، اشیاء و اسناد توقیف شده هستند، احضار و استماع نمایند.^{۱۲} در آیین دادرسی کیفری ایران نیز ضابطان دادگستری در این مرحله براساس ماده ۱۸ قانون آیین دادرسی کیفری اقدام می کنند. در جریان مرحله تحقیق و بررسی دادسرا، «تحصیل دلیل کمتر سری و تا حدودی توافقی است، چرا که اصحاب دعوا می توانند بر تحقیقات نظارت داشته»^{۱۳} و حتی درخواست انجام برخی اعمال را مطرح نمایند.^{۱۴}

بازپرس در این مرحله می تواند براساس ماده ۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه به منظور تحصیل ادله (به نفع یا ضرر متهم) به کلیه اقدامات تحقیقاتی مفید اقدام و در صورت ضرورت به بازرسی، تفتیش و حتی توقیف اموال یا اشخاص مبادرت کند.

10. Étienne Vergès (2007), procédure pénale ,1ère edition, paris, Lexis Nexis, Litec., p.67.

11. Art.55-1 c.pr.pen.

12. Art.62 c.pr.pen.

13. J.Borricand et A.Simon.op.cit.,p.282.

14. Art.82-1 C.pr.pen.

در قانون آیین دادرسی کیفری ایران، بازپرس به استناد ماده ۳۹ به اقدامات تحقیقاتی ضروری برای تحصیل ادله و کشف حقیقت مبادرت می‌ورزد اما در عین حال، تحقیقات در مورد متهم و وکیل او به صورت غیرترافعی و سرّی صورت می‌پذیرد و فقط شاکی به استناد ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی کیفری حق دخالت در هنگام تحقیقات را دارد. در مرحله دادرسی و انشای رأی، رسیدگی اتهامی و با حضور اصحاب دعوا به صورت ترافعی برگزار می‌شود که در جریان آن، اصحاب دعوا ادله تحصیلی را مورد بحث و مذاکره قرار می‌دهند یا به تحصیل و ارائه ادله جدید می‌پردازند.^{۱۵}

در یک تقسیم‌بندی کلی شیوه تحصیل دلیل، قانونی یا غیرقانونی خواهد بود. در مورد تحصیل ادله به صورت غیرقانونی باید بین دو مصلحت توازن ایجاد نمود. از یک طرف، مصلحت عمومی که می‌طلبد، موضوع آشکار شده به استناد غیرقانونی بودن شیوه تحصیل آن از عداد ادله خارج نشده و زمینه تبرئه شخص فراهم نیاید؛ و از طرف دیگر، مصلحت شخص که ایجاب می‌نماید تا با عدم پذیرش نتایج غیرقانونی دلیل کسب شده از طریق غیرقانونی وضعیت مزبور ترویج و تعمیم نگردد. استناد به دلیل و عدم توجه به شیوه تحصیل آن به صورت مطلق نمی‌تواند مورد پذیرش قرار گیرد. علی‌الاصول در آیین دادرسی کیفری باید بین اهداف و وسایل توازن ایجاد گردد.^{۱۶}

دستگیری و به کیفر رساندن مجرمان یکی از اهداف آیین دادرسی است ولی این هدف نباید به کارگیری هرگونه ابزار را توجیه نماید. «چالش اصلی استفاده از روش‌های

15. Art. 427.C.pr.pen;

ماده ۱۱۸ قانون آیین دادرسی کیفری و مواد بعدی.

16. Martine-Herzog Evans (2003), Droit de l'application des peines, paris , Dalloz., p.108.

غیرقانونی و غیر اخلاقی در آیین دادرسی کیفری همین مسأله است»^{۱۷}، چرا که بدون شک شیوه‌های غیرقانونی و نامشروع نمی‌توانند متصف به وصف انصاف و عدالت گردند و بعید می‌رسد در چنین شرایطی بتوان از دادرسی منصفانه سخن گفت.^{۱۸} چگونه دستگاه عدالت کیفری که به دنبال برقراری عدالت و تحقق یک دادرسی منصفانه است،^{۱۹} می‌تواند فقط به محصول کسب دلیل توجه نموده و از شیوه‌های تحصیل آن غافل گردد؟ آیا می‌توان برای مقابله با جرائم که اصولاً ناقض اصول اخلاقی هستند، به شیوه‌های غیرقانونی و غیر اخلاقی دستبازید؟ آیا محکومیت اشخاص به استناد ادله اکتسابی از طرق نامشروع، مغایر اصل حاکمیت قانون و اصول یک دادرسی منصفانه نیست؟ پاسخ به این سؤالات و به ویژه برآورد وصف انصاف در مورد شیوه‌های کسب و جمع‌آوری ادله بستگی مستقیم به رویکردی دارد که سیستم‌های عدالت کیفری در این زمینه دنبال می‌کنند. از منظر تحصیل ادله کیفری، برخی از نظام‌های عدالت کیفری به موضوعیت شیوه جمع‌آوری و تحصیل ادله کیفری (بند اول) و برخی دیگر به طریقت این شیوه (بند دوم) اعتقاد دارند.^{۲۰}

17. Pierre Beliveau et Martin Vauclair, (2007), Traite general de preuve et de procedure penales , les Éditions Themis, p.201.

۱۸. هر چند دیوان اروپایی حقوق بشر، برخلاف این دیدگاه، معتقد است که مغایرت پذیرش دلیل کسب شده از طریق غیرقانونی با کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، در صورتی که فرایند دادرسی به طور کلی منصفانه باشد، قابل مسامحه است.

۱۹. ماده ۲-۱۱۱ لایحه جدید آیین دادرسی کیفری ایران و ماده مقدماتی قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه به صراحت بیان نموده‌اند که دادرسی کیفری باید منصفانه و عادلانه باشد و حقوق طرفین دعوا را تضمین نماید.

۲۰. در اینجا بحث طریقت یا موضوعیت داشتن دلیل مطرح نیست و شیوه تحصیل ادله مدنظر قرار گرفته است. برای مطالعه در مورد خود «دلیل» نگاه کنید به: فیروز محمودی جانکی، (۱۳۷۶)، یا موضوعیت ادله

شناخت این دو طریق به ما اجازه داوری در مورد منصفانه بودن یا نبودن تحصیل ادله کیفری در این نظام‌ها را خواهد داد.

بند اول: موضوعیت شیوه تحصیل دلیل

با مطالعه نظام حقوقی برخی از کشورها مشخص می‌گردد، که برای شیوه کسب ادله کیفری قائل به موضوعیت هستند؛ به این معنا که در این کشورها فقط ادله‌ای که از طرق قانونی به دست آمده باشند و در تحصیل و جمع‌آوری آنها اصل قانونی بودن و به تبع، مشروعیت تحصیل ادله کیفری رعایت شده باشد، می‌تواند مبنای یک دادرسی منصفانه و در نهایت صدور حکم محکومیت قرار گیرد. به استناد ماده ۱۹۱ قانون آیین دادرسی کیفری ایتالیا «دله‌ای که با نقض ممنوعیت‌های قانونی تحصیل شوند، فاقد اعتبار محسوب می‌شوند». بنابراین در حقوق کیفری ایتالیا، چنانچه ادله قانونی از طرق نامشروع و غیرقانونی به دست آمده باشند، به استناد ماده ۱۹۱ قانون آیین دادرسی کیفری که بر موضوعیت داشتن شیوه تحصیل ادله تأکید می‌ورزد، این ادله بی‌فایده و فاقد اعتبار محسوب می‌شوند.^{۲۱} براین اساس، الصاق برچسب غیرقانونی بودن بر دلیل کسب شده، آن را از عداد ادله خارج می‌نماید.

در این رویکرد، ادله‌ای که از طریق قانونی به دست آمده باشد، موضوع دادرسی قرار می‌گیرد و فقط رعایت اصل مشروعیت تحصیل ادله کیفری است که به دلیل ارزش اثباتی

اثبات دعوی در حقوق کیفری ایران و مصر»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه امام صادق (ع)، ص ۲۲ به بعد.

21. Voir. Mario Chiavario, (1999), "limites en matière de preuve dans la nouvelle procédure penale italienne", Revue de sciences criminelles., p.30

و قضایی می‌بخشد. این دیدگاه که از آن به رویکرد «آزاد منشانه» تعبیر شده است^{۲۲}، از خودسری دستگاه عدالت کیفری، به ویژه پلیس جلوگیری می‌نماید و آنها را وادار می‌دارد تا همواره در تحقیقات خود برای جمع‌آوری و تحصیل ادله، از حدود قانون خارج نشده و در چارچوب ضوابط و مقررات قانونی به کسب دلیل پردازند. اگر بپذیریم که غیرعلمی بودن پلیس و اقتباس شیوه‌های غیرقانونی تحصیل دلیل، ارتباط مستقیمی با یکدیگر دارند، در این صورت، رویکرد مزبور، پلیس را به استفاده از روش‌های علمی کسب ادله رهنمون خواهد نمود.^{۲۳}

بنابراین براساس این رویکرد، تحصیل دلیل در صورتی منصفانه خواهد بود که برطبق قانون و شیوه‌های قانونی صورت گرفته باشد و هر دلیل ولو قانونی که شیوه تحصیل آن، غیرقانونی و نامشروع باشد، قابل پذیرش نیست.

بند دوم: طریقت شیوه تحصیل دلیل

برخی از سیستم‌های حقوقی به طریقت شیوه کسب ادله کیفری گرایش دارند. این سیستم‌ها بین اصالت و اعتبار دلیل کسب شده و شیوه‌های تحصیل آن تفکیک می‌نمایند. بر این اساس، نفی دلیلی که اصالت آن محرز است، به استناد شیوه‌های غیرقانونی کسب آن صحیح تلقی نشده است. از این دیدگاه می‌توان هم زمان به اعتبار قانونی دلیل و عدم اعتبار قانونی شیوه تحصیل دلیل نظر داد. بنابراین، غیرقانونی بودن شیوه کسب دلیل مقدمه‌ای نیست که به طور منطقی بتوان از آن، بطلان دلیل کسب شده را استنباط نمود. این رویکرد

۲۲. علی، قربانی؛ منبع پیشین، ص ۱۷۶.

۲۳. فرانسوا، فلتی، (۱۳۸۶)؛ «نقش کارشناسی در تحقیقات و فرایند کیفری»، ترجمه عباس تدین، ماهنامه تعالی حقوق، سال دوم، شماره پانزده، ص ۳۴.

را می‌توان، رویکرد «غیر آزاد منشانه» تلقی نمود. به استناد رویه قضایی فرانسه در مورد تحصیل دلیل اشخاص عادی، مراجع کیفری نمی‌توانند فقط به این بهانه که شیوه تحصیل دلیل نامشروع و غیرقانونی بوده است، از پذیرش ادله اشخاص خودداری ورزند و دادرسان فقط براساس ماده ۴۲۷ قانون آیین دادرسی کیفری وظیفه ارزیابی و برآورد ارزش اثباتی و قضایی ادله را بر عهده دارند.^{۲۴} در قانون ادله انگلیس نیز در پاره‌ای از موارد، قانون‌گذار در مورد استفاده از ادله‌ای که به طریق غیرقانونی تحصیل شده‌اند، دست دادگاه‌ها را باز گذاشته است.^{۲۵} بنابراین در فرانسه و انگلیس ممنوعیت مطلق در استفاده از ادله‌ای که به طریق غیرقانونی به دست آمده‌اند، وجود ندارد.

با به رسمیت شناختن احتمالی دلیل کسب شده از طریق غیرقانونی و عدم پذیرش دفاع شخص در خصوص نامشروع بودن شیوه کسب دلیل، امنیت ذهنی و روانی شهروندان دچار اضطراب می‌گردد. طرف‌داران این رویکرد بعضاً به مصلحت عمومی استناد می‌نمایند.^{۲۶} حسب نظر ایشان، افزایش رو به رشد جرائم و ضریب پایین کشف آن با اقتباس ساز و کار موضوعیت طریقه تحصیل دلیل، در عمل سبب خلع سلاح جامعه در مقابل مجرمین می‌گردد. بزه‌کاران که به شیوه‌های مختلف غیرقانونی برای ارتکاب جرائم و دستیابی به مقاصد خود متوسل می‌شوند، کمتر در چارچوب‌های قانونی به دام می‌افتند و با شناخت حدود و ثغور این شیوه‌ها، به راحتی از چنگال عدالت می‌گریزند. در چنین

24. Cass.crim.,6 avril 1994:Bull.crim.no136.

25. Voir.J.R.Spencer,(2000),"Les limites en matière de preuve, aspects actuels", Revue de sciences criminelles., p.42.

26.Note anonyme,(2007), "l'admissibilité de la preuve dans un système continental: le modèle belge", doctrine, Revue de droit penal et de criminologie,no 4., p.298.

وضعیتی، صرف توسل به شیوه‌های قانونی، مبارزه مؤثر با بزهکاری را به مخاطره می‌اندازد. این استدلال به نظر قابل پذیرش نیست چرا که از یک طرف، توسل به شیوه‌های غیرقانونی کسب دلیل و به رسمیت شناختن آن نیز سبب اضطراب در افکار عمومی می‌شود و معلوم نیست، این وضعیت، هم سنگ اضطراب ناشی از افزایش جرائم نباشد و از طرف دیگر، کندی سیستم عدالت کیفری و بعضاً ناتوانی آن را نمی‌توان از طریق شیوه‌های غیرقانونی و نامتعارف جبران نمود و باید با اتخاذ تدابیر و رویکردهای نوین و کارآمد، عملکرد سیستم عدالت کیفری را مؤثر و پویا نمود.

پس از این دیدگاه، هر چند ادله تحصیلی از طرق نامشروع نیز قابل پذیرش محسوب می‌شود ولی دلیلی که شیوه تحصیل آن نامشروع و غیرقانونی باشد، از انصاف و عدالت دور خواهد بود و مطمئناً چنین فرایندی نمی‌تواند تضمین‌کننده یک دادرسی منصفانه و عادلانه باشد.

در حقوق کیفری ایران، هرچند حقوق‌دانان ایرانی به تبعیت از حقوق‌دانان کیفری فرانسه، اصل مشروعیت تحصیل دلیل را با توجه به راه‌های قانونی کسب دلیل و در قالب احترام به حقوق فردی و شؤون دادگستری تعریف کرده‌اند، اما از آنجا که رویه قضایی ایران در این خصوص چندان روشن و گویا نیست، محتوای این اصل را باید در تمام مرحله‌های دادرسی یعنی از زمان اقدام برای کشف جرم تا صدور رأی دنبال کرد و به منظور احترام به حقوق و آزادی‌های افراد از توسل به شیوه‌های نامتعارف و نامشروع در تحصیل دلیل اجتناب ورزید^{۲۷}؛ اقدامی که رویه قضایی ایران در جرم‌های مهمی مانند

۲۷. عباس، تدین، (۱۳۸۸)؛ «اصل مشروعیت تحصیل دلیل در پرتو آموزه‌های حقوق‌دانان و رویه قضایی ایران، فرانسه و دیوان اروپایی حقوق بشر»، تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقاله‌ها)، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، نشر میزان، ص ۱۸۳.

قاچاق مواد مخدر از آن عدول ورزیده و توسل به شیوه‌های نامتعارف در تحصیل ادله را پذیرفته است.^{۲۸}

به هر حال، اصل مشروعیت تحصیل ادله کیفری^{۲۹} بر قانونی و مشروع بودن شیوه کسب ادله یعنی موضوعیت داشتن طریقه تحصیل دلیل تأکید می‌ورزد و تضمین دادرسی منصفانه در مرحله تحصیل ادله را فقط از طریق تحقق وصف منصفانه در شیوه کسب دلیل امکان‌پذیر می‌داند.

گفتار دوم: پذیرش منصفانه دلیل

همانگونه که گذشت، خواه در جمع‌آوری و کسب دلیل، اصل مشروعیت تحصیل ادله رعایت شده باشد و خواه از این اصل عدول گردیده باشد و به عبارت دیگر، چه دلیل از طریق قانونی کسب شده یا از شیوه غیرقانونی به دست آمده باشد، در عمل، قابلیت پذیرش خود را حفظ می‌نماید ولی این به مفهوم اعتبار و ارزشمندی دلیل نیست. قابلیت پذیرش دلیل یک عمل مقدماتی و پایه رسیدگی‌های بعدی در فرایند دادرسی کیفری به حساب می‌آید چرا که اگر دلیل به هر علت، خواه غیر قانونی بودن نفس دلیل یا شیوه تحصیل آن، در نهایت غیر قابل پذیرش اعلام گردد، رسیدگی به اصل موضوع متوقف و بنابر اصل براءت شخص تبرئه می‌گردد. پذیرش دلیل لزوماً به محکومیت شخص منجر نمی‌گردد ولی از لحاظ منطقی و حسب روند عملی محاکم کیفری، صدور حکم محکومیت، پس از پذیرش ادله خواهد بود.

۲۸. همان، ص ۱۸۱.

۲۹. همان، ص ۱۶۷.

براساس ماده ۴۲۷ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، در نظام کیفری این کشور، در تحصیل ادله، آزادی عمل وجود دارد، به گونه‌ای که «در غیر از مواردی که قانون به نحو دیگری مقرر کرده است، جرائم می‌توانند با هر نوع دلیلی اثبات شوند» و محاکم کیفری ادله تحصیلی را پذیرفته و مورد ارزیابی قرار می‌دهند. در رویه عملی مراجع قضایی فرانسه، فقط ادله مشروع و معتبر یعنی ادله‌ای که قانون‌گذار یا رویه قضایی آنها را ممنوع اعلام نکرده باشد،^{۳۰} قابلیت پذیرش دارند و شیوه تحصیل آن در بدو امر، تأثیری در قابلیت پذیرش یا عدم پذیرش ادله ندارد.^{۳۱} بنابراین ارزیابی آزادانه دلیل، قابلیت پذیرش ادله لزوماً به مفهوم قابلیت اثبات جرم و محکومیت متهم نیست و دادرس آزادی کامل در ارزیابی ارزش قضایی و اثباتی ادله ارائه شده دارد و در نهایت «پس از اکتعاج وجدانی خود تصمیم‌گیری می‌نماید».^{۳۲}

پس در فرایند دادرسی کیفری فرانسه، اصحاب دعوا «در آوردن عناصری برای پشتیبانی وضعیت خود در اثبات ادعای مورد نظر آزاد هستند».^{۳۳} دادستان شهرستان در جریان تحقیق کلیه عناصر مفید را جمع‌آوری و مدیریت می‌کند و می‌تواند برای کشف حقیقت، انجام برخی اعمال مفید را از بازپرس بخواهد^{۳۴} و حتی در پاره‌ای از تحقیقات با بازپرس شرکت نماید. شاکی و متهم نیز این اختیار را دارند که از دادرس انجام برخی

30. S.Guinchard et J.Buisson.op.cit.,p.398.

31. Cass.crim., 6 avril 1994: Bull.crim.no136; cass.crim., 13 oct. 2004: Bull. crim. no243.

32.Michèle- Laure Rassat, (2007), procédure pénale, 15 ème edition, paris, Puf. p.341.

33. V.Valette.op.cit., p.213.

34. Art.82 C.pr.p3n.

اعمال مانند بازجویی، مواجهه، استماع و... را درخواست نمایند.^{۳۵} بازپرس که در این میان نقش اساسی و کلیدی را بازی می‌کند، براساس ماده ۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری، اقدام به تحصیل ادله می‌نماید. اما در این فرایند، برخی از ادله از ابتدا به علت عدم رعایت اصل قانونی بودن (اداره غیرقانونی ادله) قابلیت پذیرش خود را از دست می‌دهند و برخی دیگر، هرچند قابل پذیرش ارزیابی می‌شوند، اما چه بسا در جریان دادرسی، ارزش و اعتبار خود را از دست بدهند؛ به ویژه هنگامی که حقوق دفاعی اشخاص را با نقض کرامت انسانی آنها یا عدم رعایت اصل دادرسی منصفانه زیر پا بگذارند.^{۳۶}

پس با توجه به رویه عملی محاکم کیفری فرانسه، پذیرش منصفانه دلیل مفهوم گسترده‌ای دارد که بنابر آن، از ابتدا ادله‌ای که در قانون و رویه قضایی ممنوع اعلام گردیده‌اند مانند هیپنوتیزم باید غیرقابل پذیرش باشند ولی ادله قانونی که از سوی طرفین دعوا، تحصیل و ارائه گردیده‌اند، بدون توجه به شیوه تحصیل آن مورد پذیرش قرار گیرند و سپس قضات در یک دادرسی توافقی و با حضور اصحاب دعوا به بررسی و ارزیابی ادله پرداخته و بنا بر اقناع وجدانی خود در خصوص اعتبار و ارزش قضایی آنها، تصمیم‌گیری نموده و در نهایت در مورد قابلیت پذیرش یا عدم پذیرش ادله اظهار نظر نمایند.

دیوان اروپایی حقوق بشر نیز پذیرش دلیل را موقوف به ارتباط و کفایت ادله حسب نظر مقامات ملی هر کشور دانسته و بررسی موضوع پذیرش دلیل را جز از طریق یک رسیدگی علنی و حضوری با ضوابط کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی-های اساسی مغایر اعلام نموده است.^{۳۷} در واقع، از دیدگاه دیوان اروپایی حقوق بشر،

35. Art.82-1 C.pr.pen.

36. Voir. Jean Pradel, (2007), Manuel de procédure pénale, 13 ème édition, paris, cujas. p.366.

37. C.E.D.H., 12 juillet 1988, schenck c/suiss.

اشخاص در بررسی دلیل باید از کلیه تضمینات یک دادرسی منصفانه برخوردار باشند و به همین علت رسیدگی غیرعلنی و غیر ترافعی به ادله قبل از محاکمه، در صورتی که به حقوق دفاعی و اصول دادرسی منصفانه آسیب وارد آورد، نقض کنوانسیون تلقی می گردد. «حق دفاع در رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر غالباً در معنی اخص کلمه به کار رفته است و از این منظر قلمرو این حق محدود به عملکرد سیستم عدالت کیفری در حوزه پذیرش یا عدم پذیرش دلیل است».^{۳۸} دستگاه عدالت کیفری باید کلیه ادله‌ای که در محاکم مورد استناد قرار می گیرد را در اختیار اشخاص قرار دهد تا آنها مکانیزم دفاعی خود را در خصوص قابلیت یا عدم قابلیت پذیرش ادله براساس شیوه‌ای که در قوانین داخلی مقرر شده است، تنظیم و ارائه کنند. پس از دیدگاه دیوان اروپایی حقوق بشر در صورتی پذیرش دلیل، منصفانه خواهد بود که اشخاص بتوانند تمهیدات لازم و مناسب برای دفاع از خود را در اختیار داشته باشند و بنابر اصل تساوی سلاح‌ها، «تساوی در بهره‌برداری از تسهیلات صلاح‌یابی بالفعل که معیار آن، بهره‌مندی مقامات دولتی از این تسهیلات است را طلب نمایند».^{۳۹}

ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر به صراحت بر یک دادرسی منصفانه تأکید می‌ورزد و ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مقرر می‌دارد که «هر کس حق دارد به اینکه به دادخواهی او منصفانه و علنی در یک دادگاه صالح مستقل و بی طرف تشکیل شده طبق قانون رسیدگی بشود و آن دادگاه درباره حقانیت اتهامات جزایی علیه او... اتخاذ

۳۸. علی، قربانی؛ منبع پیشین، ص ۱۸۰.

39.Fredric Sudre, Jean-pierre Marguenaud, Joël Andrian simbazovina, Adeline Gouttenoire, Michel levinet, (2007), les grands arrêts de la cour europeenne des droits de l'homme, paris, puf., p. 205.

تصمیم بنماید.^{۴۰} ماده ۲-۱۱۱ لایحه جدید آیین دادرسی کیفری ایران مقرر می‌دارد «دادرسی کیفری باید منصفانه و عادلانه باشد، حقوق طرفین دعوا را تضمین کند». در نظام کیفری ایران نیز اصل تحصیل آزادانه ادله شناخته شده است و با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۰ هجری شمسی از طریق اقتباس قانون‌گذار از قانون آیین دادرسی کیفری ۱۸۰۸ میلادی فرانسه وارد نظام دادرسی ایران شده است.^{۴۱} هرچند در حقوق کیفری ایران، ادله‌ای که برای اثبات جرم یا نفی اتهام مورد استناد قرار می‌گیرد، اقرار، شهادت، علم قاضی و سوگند (قسامه) است^{۴۲} و در صورت رعایت شرایط شکلی و ماهوی مورد نظر قانون‌گذار، قابل پذیرش و دارای اعتبار هستند ولی ادله در حقوق کیفری ایران احصا نشده است^{۴۳} و اصحاب دعوا می‌توانند هر امر دیگری را که ممنوعیت قانونی یا قضایی نداشته باشد را به عنوان دلیل ارائه کنند و بسیاری از این امور و حتی ادله فاقد شرایط قانونی می‌تواند به عنوان اماره قضایی مورد پذیرش قرار گیرند. در نهایت این دادرس است که با توجه به اصول حاکم بر فرایند دادرسی به ویژه اصل دادرسی منصفانه و با تکیه بر یقین و وجدان خود باید در مورد ارزش قضایی و اثباتی ادله موجود، تصمیم‌گیری نماید.

۴۰. اردشیر، امیر ارجمند، (۱۳۸۱)؛ مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر، اسناد جهانی، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی. ص ۹۹.

۴۱. نگاه کنید به: محمدعلی، طاهری بجد، (۱۳۸۳)؛ «تعیین رژیم دلایل کیفری در نظام قضایی ایران»، علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، تهران، نشر سمت، ص ۳۲۰.

۴۲. نگاه کنید به: ماده ۱-۱۳۲ و دو تبصره آن در لایحه جدید آیین دادرسی کیفری ایران.

۴۳. شاید بتوان گفت که در برخی از جرائم که ادله شرعی از قبیل اقرار و شهادت موضوعیت یافته‌اند قانون‌گذار از قبل، ادله اثبات جرم را احصا و شرایط شکلی و ماهوی آن را تعیین نموده است. پس قابلیت پذیرش ادله در این جرائم بستگی تمام به ارائه این گونه ادله با رعایت ضوابط قانونی دارد.

پس، پذیرش منصفانه ادله در حقوق کیفری ایران را می‌توان در دیدگاه دکترین به مفهوم ارزیابی و برآورد ادله تقدیمی از سوی طرفین دعوا، بر مبنای رعایت اصول و قواعد یک دادرسی منصفانه، توسط مقامات قضایی و تصمیم‌گیری در مورد قابلیت پذیرش و ارزش اثباتی آنها بر اساس اقتناع وجدانی دانست؛ هرچند در رویه عملی محاکم کیفری ایران، کمتر به این جنبه از دادرسی منصفانه توجه گردیده است و بسیاری از ادله ارائه شده از سوی شاکی با نقض اصول قانونی بودن و مشروعیت تحصیل ادله کیفری، قابل پذیرش و دارای ارزش قضایی قلمداد می‌گردد و حتی بر مبنای آنها حکم محکومیت صادر می‌شود.

گفتار سوم: ارائه منصفانه دلیل

بر اساس قاعده البینه علی المدعی که قاعده منطقی و عقلایی محسوب می‌شود، در امور کیفری مقام مسئول تعقیب باید به ارائه دلیل و اثبات بزهکاری متهم بپردازد (**بند اول**)؛ ولی همواره ارائه دلیل به راحتی مقدور نیست. همین امر، قانون‌گذار و رویه قضایی را واداشته تا برای دفاع از منافع عالی اجتماع، مقام تعقیب را در پاره‌ای از موارد، از ارائه دلیل معاف و بار اثبات دعوی را به طرف مقابل منتقل نماید (**بند دوم**). اما در هر صورت، براساس احترام به اصل دادرسی منصفانه باید ارائه دلیل همراه با اوصاف و ویژگی‌هایی باشد که بتوان آن را متصف به وصف انصاف و عدالت نمود.

بند اول: ارائه دلیل در شرایط پیگرد عادی

قاعده «البینه علی المدعی» و معادل آن در حقوق روم^{۴۴}، به صورت مطلق بیانگر آن است که بار اثبات هر ادعایی بر عهده کسی است که صاحب آن ادعا است. این قاعده از

44. Actori incumbit probatio.

یک طرف، براساس منطق و از طرف دیگر، به جهت حفظ و صیانت امنیت فردی قابل احترام است. لذا در این باب هیچ تفکیکی میان امر حقوقی و کیفری دیده نمی‌شود،^{۴۵} هر چند بنیان اندیشه‌ای که در پس این عبارت حقوقی نهفته شده در امر مدنی و کیفری متفاوت است چرا که در امر کیفری، مدعی علیه اساساً بی‌گناه فرض می‌شود و اگر مدعی باید برای ادعای خود دلیل بیاورد نه صرفاً به آن جهت است که مدعی در مقام خواهان می‌باشد و ملزم به ارائه دلیل مجرمیت طرف مقابل است، بلکه به آن جهت است که اگر خلاف این، عمل شود، در آن صورت حریم قاعده‌ای والایر که همان اصل برائت است، نقض می‌گردد.^{۴۶} بنابراین اصل اخیر، متهم تکلیفی به اثبات بی‌گناهی خود ندارد و حتی بالاتر از آن، می‌تواند در برابر ادعاهای دیگران، سکوت نماید.^{۴۷} بنابراین، اصل برائت از منظر بار اثبات دلیل، از جنبه سلبی، شخص را از اثبات عدم تقصیر بی‌نیاز می‌سازد و از جنبه ایجابی، دستگاه عدالت را موظف می‌نماید، گناهکاری شخص را براساس قانون و پس از یک دادرسی منصفانه و استماع دفاعیات شخص اثبات نماید. از نظر منطق حقوقی و رویه قضایی، بار اثبات دلیل برعهده مقامات عمومی (دادستان) است و برهمین اساس مقام تعقیب مکلف به اثبات عناصر سه گانه جرم است.^{۴۸} پس نه تنها ارائه دلیل و به عبارت دیگر بار دلیل برعهده مقام تعقیب یعنی دادسرا یا شاکی نهاده شده است، بلکه اقتضائات

۴۵. مواد ۱۹۷ قانون آیین دادرسی مدنی و ۱۲۵۷ قانون مدنی.

۴۶. نگاه کنید به: شهریار، ترخانی، (۱۳۸۴)؛ «نحوه کسب ادله اثبات و قرائن و امارات جرم و احصاء آنها»، علوم جنایی (گزیده مقالات مبارزه با مواد مخدر در ایران)، کمیته معاضدت قضایی ستاد مبارزه با مواد مخدر، جلد اول، ص ۱۳۸.

۴۷. در کنار این قاعده، در حقوق ایران، ممنوعیت اجبار متهم به اقرار (اصل ۳۸ قانون اساسی) و در حقوق اروپایی، ممنوعیت اجبار متهم به ادای شهادت علیه خود وجود دارد.

۴۸. معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه، (۱۳۸۲)، دادسرا و دادستان، وظایف قانونی و آیین رسیدگی، چاپ نخست، انتشارات معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه، قم، ص ۲۵۳.

اصل براءت ايجاب می نماید که «تحصيل دليل بايد با توسل به شیوه های صحیح قانونی و با هماهنگی لازم با اصول اخلاقی و ضوابط حاکم بر ضرورت رعایت کرامت انسانی به عمل آید».^{۴۹} و «فروض قانونی یا معکوس کردن بار اثبات ادله نیز در محدوده های منطقی محصور گردد».^{۵۰} نتیجه اینکه، در شرایط عادی، ارائه دلیل در صورتی منصفانه خواهد بود که مهم ترین معیار جهت ارزیابی عادلانه بودن یک دادرسی، یعنی اصل تساوی اصحاب دعوا و به تبع آن، اصل برابری سلاح ها رعایت شود^{۵۱} و در ارائه ادله حقوق دفاعی متهم با توجه به اصل براءت مورد توجه و احترام قرار گیرد؛ به گونه ای که متهم نیز در مقام دفاع از خود بتواند با ارائه ادله لازم و کافی، انتساب اتهام را مخدوش نماید. پس ارائه و تحصيل ادله در فرایند دادرسی همواره باید با رعایت قواعد قانونی و اصول ملهم از رویه قضایی صورت پذیرد و این به این معنا است که ادله کیفری باید «منطبق با اصول حقوقی» و حتی موازین یک دادرسی منصفانه تحصيل و ارائه گردد.^{۵۲}

بند دوم: ارائه دلیل در شرایط خاص

یکی از مهم ترین آثار حقوقی اصل براءت، اثر مربوط به حقوق دفاعی متهم است که براساس آن، مقام تعقیب مکلف به اثبات عنصر مادی جرم اتهامی از یک طرف و عنصر

۴۹. محمد، آشوری، (۱۳۷۶)؛ «اصل براءت و آثار آن در امور کیفری»، عدالت کیفری (مجموعه مقالات)، چاپ اول، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۶، ص ۱۴۹.

50. Eric Mathias, (2006), procedure penal , 3ème ed., paris, lexifac., p.50.

۵۱. برای مطالعه بیشتر، نگاه کنید به: کمیسیون قوانین و مقررات بین المللی، (۱۳۸۵)، رهنمود کمیته حقوق-داناان حقوق بشر، مارس ۲۰۰۰، دادرسی عادلانه چیست؟، کمیسیون قوانین و مقررات بین المللی، کمیته دیوان کیفری بین المللی، معاونت حقوق و توسعه قضایی، ص ۱۸.

52. E.Vergès.op.cit.,p.73.

معنوی آن، از طرف دیگر است.^{۵۳} اما در برخی از موارد، به علت وجود قراینی، ظن ارتکاب جرم توسط متهم تقویت می‌گردد، به گونه‌ای که اماره مجرمیت بر اصل براءت پیشی گرفته و در نتیجه وظیفه ارائه دلیل متحول و بر دوش متهم قرار می‌گیرد؛ در این صورت متهم است که باید عدم تحقق عنصر مادی یا معنوی را به اثبات رسانده و دلیل بیاورد. اینجا است که *انقلاب دعوای کیفری* رخ می‌دهد و بار دلیل جابه‌جا می‌گردد.^{۵۴} و اثبات براءت بر عهده متهم گذاشته می‌شود. این وضعیت که باعث عدول از اصل براءت و تقدم اماره مجرمیت می‌گردد «در صورتی توجیه منطقی خواهد داشت که *اماره‌ای قانونی یا قضایی که سبب ایجاد ظن قوی یا اطمینان‌آور است، در میان باشد*».^{۵۵} وجود این امارات موجب تغییر روند دادرسی گردیده و به این طریق، اصل براءت نسبت به متهم زایل شده و در نتیجه، علی‌رغم عدم وجود دلیل قاطع، قاضی به روش‌های استثنایی دادرسی متوسل می‌شود که در آنها بار دلیل معکوس می‌گردد.

در شرایط انقلاب دعوای جز در مواردی که قانون‌گذار ادله خاصی را به عنوان دلیل مخالف فروض قانونی پیش‌بینی کرده است،^{۵۶} متهم می‌تواند هر آنچه را که این قدرت را داشته باشد تا توان اثباتی امارات را از بین ببرد، به عنوان دلیل مخالف ارائه نماید. بنابراین،

۵۳. در مورد آثار اصل براءت. نگاه کنید به: محمد، آشوری؛ (مهر ماه ۱۳۷۲) «اصل براءت و آثار آن در امور کیفری»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۲۹، ص ۱۴۹؛ باقر، شاملو؛ (۱۳۸۳)، «اصل براءت کیفری در نظام‌های نوین دادرسی»، علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، تهران، نشر سمت، ص ۲۷۷.

54. Voir. S.Guinchard et J.Buisson,procedure penale.op.cit.,p.392.

۵۵. محمد ابراهیم، شمس ناتری، (۱۳۸۳)؛ «اصل براءت و موارد عدول از آن در حقوق کیفری»، علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، تهران، نشر سمت، ص ۲۹۱.

56. Comme.Art. 537 C.pr.pen.

انصاف و عدالت اقتضا می‌کند که اثبات خلاف امارات مجرمیت امکان‌پذیر باشد چرا که امارات نسبی و خدشه‌پذیر هستند و همواره در برابر اصل برائت، باید تقدم اماره مجرمیت بر این اصل، به صورت محدود و استثنایی باشد و برای حفظ حقوق افراد و آزادی آنها و حاکمیت عدالت می‌بایست اصل برائت به عنوان اصلی عام الشمول در تمامی مراحل دادرسی کیفری حاکم گردد.^{۵۷}

دیوان اروپایی حقوق بشر نیز به منظور نیل به یک دادرسی منصفانه، از دول عضو خواسته است تا در امور کیفری، از یک محدوده معین که با دو معیار «شدت و اهمیت موضوع» و «حفظ حقوق دفاعی متهم» معلوم می‌گردد، فراتر نرفته و همواره تناسب امارات مجرمیت با اصل برائت را در نظر داشته باشند.^{۵۸}

از آنچه گذشت، معلوم می‌شود که معکوس کردن بار اثبات دلیل، محصول برهم خوردن توازن بین اصل رعایت حقوق و آزادی‌های اشخاص و سیاست تسهیل اثبات جرم به نفع این سیاست اخیر است. در شرایط معمولی و جرائم عادی، این توازن به نفع حقوق و آزادی‌های فردی و در شرایط غیرعادی مانند جرائم سازمان‌یافته، این معادله به ضرر حقوق و آزادی‌های فردی به هم می‌خورد. به نظر می‌رسد در فرایند یک دادرسی منصفانه اصل این است که بین سهولت اثبات جرم و آزادی‌های فردی جمع شود، نه اینکه این تعادل به ویژه به نفع مقامات عمومی و به ضرر اشخاص مورد تفسیر و اجرا قرار گیرد.

با توجه به اینکه «معکوس کردن بار اثبات دلیل در فضای اندیشه‌ای مربوط به عجز سیستم عدالت کیفری در کنترل و نظارت بر جرائم سازمان‌یافته متولد گردیده است»^{۵۹} و

57. Voir. J.pradel, Manuel de procedure penale. op.cit., p.363.

58. C.E.D.H., 7oct.1988, salabiaku c/France; C.E.D.H., 25 sept.1992, pham Hoang c/France.

۵۹. علی، قربانی؛ منبع پیشین، ص ۱۸۵.

سپس به سایر جرائم تسری داده شده است، احترام به حقوق و آزادی‌های افراد که پایه اساسی و محوری در دادرسی منصفانه محسوب می‌شود^{۶۰} ایجاب می‌کند که ارائه دلیل مخالف و حتی قرائن و امارات مخالف به سهولت و راحتی زمینه تبرئه و بی گناهی اشخاص را فراهم آورند. شاید به همین علت و با توجه به وضعیت خلاف اصلی که وجود دارد بتوان به اشخاص متهم اجازه داد تا با عدول محتاطانه از اصل مشروعیت تحصیل دلیل، برای اثبات بی گناهی خود که بر مبنای اصل براءت مفروض انگاشته می‌شده است، به تحصیل دلیل و ارائه آن بپردازند.

60. Voir. Bernard Bouloc, (2006), procedure penale, 20ème édition, paris, Dalloz., p.176.

نتیجه گیری

دادرسی منصفانه که یکی از حقوق بنیادین بشر است، در بسیاری از اسناد بین المللی در سطح جهانی و منطقه‌ای به ویژه بند ۱ ماده ۱۴ کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و نیز ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر و بند ب ماده ۱۹ اعلامیه اسلامی حقوق بشر پیش‌بینی گردیده است. در قوانین اساسی و عادی کشورهای مختلف از جمله ایران (اصول ۳۲، ۳۴ تا ۳۹) نیز پاره‌ای از اصول و قواعد حاکم بر دادرسی عادلانه برشمرده شده است.

وجود دادگاه‌های صالح، مستقل و بی طرف، تساوی افراد در برابر قانون و دادگاه، علنی بودن دادرسی، محاکمه سریع و بدون تأخیر موجه، رسیدگی توسط قضات صالح و متخصص، لزوم رعایت تضمین‌های شکلی و ماهوی مربوط به حقوق طرفین دعوا از مهم‌ترین معیارها و ضوابط حاکم بر دادرسی عادلانه است. بنابراین دادرسی عادلانه و منصفانه، دادرسی است که دعوای میان طرفین اختلاف را در یک مرجع صالح و مستقل و بی طرف که مطابق قانون تشکیل شده، در یک محیط آرام و با شرایطی برابر، توسط دادرسان متخصص و دانا، به صورت علنی و با رعایت تمامی تضمین‌های شکلی و ماهوی مربوط به حقوق اصحاب دعوا، مورد رسیدگی قرار دهد. در بستر چنین دادرسی، دلیل به عنوان مرکز ثقل دعوای کیفری نه تنها باید خود مشروع و قانونی باشد بلکه روش تحصیل و به‌کارگیری آن نیز باید تابع اصل مشروعیت تحصیل ادله کیفری باشد؛ به این معنا که در فرایند دادرسی کیفری، اشخاص با توسل به هر وسیله‌ای با نام و عنوان دلیل محکوم نگردند و ادله قانونی و مشروع نیز از روش‌های نامتعارف و غیرقانونی کسب و مبنای اتخاذ تصمیم قرار نگیرند. کیفر مجرمان در جامعه یکی از اهداف مهم آیین دادرسی است اما این هدف نباید به کارگیری هرگونه ابزار و وسیله‌ای را توجیه نماید؛ چرا که بدون تردید، شیوه‌های غیرقانونی و نامشروع نمی‌توانند متصف به وصف انصاف و عدالت گردند و در

چنین وضعیتی صحبت از دادرسی منصفانه، خود ناعادلانه است. دستگاه عدالت کیفری که به دنبال برقراری عدالت و تحقق یک دادرسی منصفانه است، نمی تواند فقط به محصول کسب دلیل توجه نموده و از شیوه های تحصیل آن غافل گردد. لذا نقطه آغاز تضمین دادرسی منصفانه، رعایت اصول و قواعد حاکم بر ادله کیفری به ویژه در مقام تحصیل و به کارگیری آنها در فرایند رسیدگی های کیفری است. رعایت این اصول و قواعد را می توان در پرتو احترام به اصل مشروعیت تحصیل ادله کیفری تضمین نمود. حق برخورداری از دادرسی منصفانه که در بردارنده مجموعه ای از اصول و قواعد است که جهت رعایت حقوق طرفین در رسیدگی به دعوی آنان پیش بینی گردیده است را باید حق احترام به «کرامت انسانی» و «منزلت دادگستری» که ارکان بنیادین اصل مشروعیت تحصیل ادله کیفری به حساب می آیند، تعبیر نمود؛ چرا که هرچند کشف حقیقت، هدف و منظور اساسی پرونده کیفری است و بنابراین تحصیل آزادانه دلیل، دادرسی آزاد در تحصیل ادله کیفری است ولی در عین حال، این حقیقت نمی تواند به هر شیوه و وسیله ای ولو نامشروع به دست آید. شأن و منزلت دستگاه قضایی و احترام به عدالت و حقوق انسانی مستلزم جلوگیری از به کار بردن وسایلی است که ارزش های اساسی تمدن بشری و نیل به یک دادرسی منصفانه را به مخاطره می اندازد.

فهرست منابع

۱. آشوری، محمد، (۱۳۷۶)؛ «**اصل برائت و آثار آن در امور کیفری**»، عدالت کیفری (مجموعه مقالات)، چاپ اول، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۶.
۲. آشوری، محمد، (مهر ماه ۱۳۷۲)؛ «**اصل برائت و آثار آن در امور کیفری**»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۲۹.
۳. امیر ارجمند، اردشیر، (۱۳۸۱)؛ **مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر، اسناد جهانی**، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۴. امیر ارجمند، اردشیر، (۱۳۸۱)؛ **مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر، اسناد منطقه‌ای**، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل، جلد دوم.
۵. تدین، عباس، (۱۳۸۸)؛ «**اصل مشروعیت تحصیل دلیل در پرتو آموزه‌های حقوق‌دانان و رویه قضایی ایران، فرانسه و دیوان اروپایی حقوق بشر**»، تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقاله‌ها)، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، نشر میزان.
۶. ترخانی، شهریار، (۱۳۸۴)؛ «**نحوه کسب ادله اثبات و قرائن و امارات جرم و احصاء آنها**»، علوم جنایی (گزیده مقالات مبارزه با موادمخدر در ایران)، کمیته معاضدت قضایی ستاد مبارزه با موادمخدر، جلد اول.
۷. شاملو، باقر، (۱۳۸۳)؛ «**اصل برائت کیفری در نظام‌های نوین دادرسی**»، علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، تهران، نشر سمت.
۸. شمس ناتری، محمد ابراهیم، (۱۳۸۳)؛ «**اصل برائت و موارد عدول از آن در حقوق کیفری**»، علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، تهران، نشر سمت.

۹. طاهری بجد، محمدعلی، (۱۳۸۳)؛ «**تعیین رژیم دلایل کیفری در نظام قضایی ایران**»، علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، تهران، نشر سمت.
۱۰. طه، فریده و لیلا اشرافی (مترجمان)، (۱۳۸۶)؛ **دادرسی عادلانه**، تهران، نشر میزان.
۱۱. فلتی، فرانسوا، (۱۳۸۶)؛ «**نقش کارشناسی در تحقیقات و فرایند کیفری**»، ترجمه عباس تدین، ماهنامه تعالی حقوق، سال دوم، شماره پانزده.
۱۲. قربانی، علی، (۱۳۸۴)؛ «**بررسی رویه قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر در زمینه حق آزادی و امنیت و حق بر دادرسی منصفانه**»، رساله دوره دکتری دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۱۳. کمیسیون قوانین بین‌المللی، (۱۳۸۵)؛ «**خلاصه گزارشات گزارشگران حقوق بشر سازمان ملل در مورد ایران**»، مرکز مطالعات توسعه قضایی، معاونت حقوقی و توسعه قضایی.
۱۴. کمیسیون قوانین و مقررات بین‌المللی، (۱۳۸۵)؛ **رهنمود کمیته حقوق‌دانان حقوق بشر، مارس ۲۰۰۰، دادرسی عادلانه چیست؟**، کمیسیون قوانین و مقررات بین‌المللی، کمیته دیوان کیفری بین‌المللی، معاونت حقوق و توسعه قضایی.
۱۵. محمودی جانکی، فیروز، (۱۳۷۶)؛ **یا موضوعیت ادله اثبات دعوی در حقوق کیفری ایران و مصر**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه امام صادق (ع).
۱۶. معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه، (۱۳۸۲)؛ **دادرسی و دادستان، وظایف قانونی و آیین رسیدگی**، چاپ نخست، انتشارات معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه، قم.

۱۷. یاورى، اسداله، (۱۳۸۳)؛ « حق برخورداری از دادرسی منصفانه و آیین

دادرسی نوین»، نشریه حقوق اساسی، سال دوم، شماره دو.

18. Beliveau ,Pierre et Martin Vauclair, (2007), Traité général de preuve et de procédure pénales , les editions Thémis.
19. Borricand ,Jacques et Anne-Marie Simon, (2005), Droit pénal et procédure pénale, 4ème édition, paris, Dalloz.
20. Bouloc ,Bernard,(2006), procédure pénale, 20ème édition, paris , Dalloz.
21. Chiavario, Mario,(1999),"limites en matière de preuve dans la nouvelle procédure pénale italienne", Revue de sciences criminelles.
22. Evans, Martine-Herzog (2003), Droit de l'application des peines, paris , Dalloz.
23. Guinchard, Serge et Jacques Buisson,(2007), procédure pénale, 5ème édition paris, Lexis Nexis Litec.
24. Mathias وEric, (2006), procédure pénal, 3ème éd.,paris, lexifac.
25. Note, anonyme,(2007),"l'admissibilité de la preuve dans un système continental: le modèle belge", doctrine, Revue de droit penal et de criminologie,no 4.
26. Pradel, Jean, (2007), Manuel de procédure pénale,13 ème édition,paris, cujas.
27. Rassat ,Michèle-Laure, (2007),procédure pénale, 15 ème édition ,paris, Puf.
28. Serge ,Guinchard, (1998),"Le procès équitable:Droit fondamental?" Actualité juridique de droit pénal , no special.
29. Spencer, J.R ,(2000),"Les limites en matière de preuve, aspects actuels", Revue de sciences criminelles.

30. Sudre , Fredric, Jean-pierre Marguenaud, Joël Andriant simbazovina, Adeline Gouttenoire, Michel levinet, (2007), les grands arrêts de la cour européenne des droits de l'homme, paris, puf.
31. Valette, Vanessa, (2007), procédure pénale, 1ère édition paris, Ellipses.
32. Vergès, Étienne (2007), procédure pénale , 1 ère édition, paris, Lexis Nexis, Litec.